

«مقاله پژوهشی»

سرزمین بین‌النهرین: پیوستگی جغرافیایی - تأثیر پذیری تاریخی در آستانه فتح ایران توسط مسلمانان

مه‌دی عبادی^{۱*} ناصر ادیبان^۲

۱. دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۱۰/۲۹) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۱/۲۲)

The land of Mesopotamia: Geographical Connection - Historical Influence on the eve of Conquest of Iran by Muslims

Mahdi ebadi^{1†} Naser Adiban²

1. Associate Professor of History of Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. PhD student, payame noor university, Tehran, Iran

Received: (2022-01-19)

Accepted: (2022-04-11)

چکیده

به‌رغم تحلیل‌های تاریخی متعددی که درباره روند فتح ایران توسط مسلمانان ارائه شده، اهمیت و تأثیر تعیین‌کننده تحولات مناطق و شهرهای مرزی بین‌النهرین اواخر عهد ساسانی چندان مورد توجه واقع نشده است. در نخستین مرحله فتوح مسلمین در قلمرو ساسانیان در سال ۱۲هـ.ق که مطابق با شرایط جغرافیایی و اقلیمی عراق و عمدتاً در مناطق بیابانی جنوب و غرب بین‌النهرین دنبال شد، مرزبانان و سپاهیان ساسانی در اغلب رویارویی‌های میدانی با سپاهیان مسلمان در کاظمه (حفر)، مذار، ولجه، آلیس، حیره و انبار مغلوب شدند. بنابر یافته‌های این پژوهش تاریخی-جغرافیایی، در این مرحله از فتح قلمرو ساسانیان، با توجه به اینکه اکثر این جنگ‌ها در نواحی بیابانی یا حاشیه صحرا روی داد، اعراب مسلمان به‌خوبی از انطباق‌پذیری خود با چنین شرایط جغرافیایی بهره گرفتند و با جابجایی‌های سریع در نواحی بیابانی و غافلگیر کردن مرزبانان ساسانی قدرت و برتری خود را بر آنها تحمیل کردند. علاوه بر اینکه این پیروزی‌های برق‌آسا بهت و شکوه نظامی و سیاسی ساسانیان در برابر اعراب مسلمان را فروریخت. با تسلط مسلمانان بر دو شهر مهم و سوق‌الجیشی حیره و انبار و تسلط بر نواحی بیابانی ماوراء فرات، حضور مسلمانان در بین‌النهرین تضمین شد و زمینه برای فتح سراسری عراق و سپس ایران فراهم شد. با عنایت به اهمیت، تأثیر و پیامدهای این مرحله از فتح غرب و جنوب قلمرو ساسانی، می‌توان آن را مقطعی دانست که در حملات اعراب مسلمان به مناطق مرزی و تسط آنها بر شهرهای مرزی، دروازه فتح سرزمین ایران عملاً به روی اعراب مسلمان گشوده شد.

واژه‌های کلیدی: شهرهای مرزی ایران، بین‌النهرین، سقوط ساسانیان، فتوح اسلامی، جغرافیای تاریخی.

Abstract

There are numerous historical analyzes about the process of the conquest of Iran by the Muslims, but the importance and determining the influence of the developments of the border regions and cities of Mesopotamia in the late Sassanid era have not been paid much attention to and have been neglected. In the first stage of the advance of the Muslims in the territory of the Sassanid in the year 12 AH, which were mainly in the desert areas south and west of Mesopotamia in present-day Iraq, they managed to defeat the Sassanid border guards and troops in Kazima (Hufair), Madhar, Walja, Ullais, Hirah, and Anbar. According to the findings of this historical-geographical research, at this stage of the conquest of the Sassanid territory, considering that most of these wars took place in the desert areas or on the edge of the desert, the Muslim Arabs took advantage of their adaptability to such geographical conditions and moved quickly in the desert areas. And by surprising the Sassanid border guards, they imposed their power and supremacy on them. These lightning victories killed the military and political splendor of the Sassanids against the Muslim Arabs, and the Muslims secured their presence in Mesopotamia by dominating the two important and strategic cities of Hirah and Anbar and the desert areas of Transoxiana and laid the groundwork for the entire conquest of Iraq and then Iran. Given the importance, impact, and consequences of this phase of the conquest of the west and south of the Sassanid territory, it can be considered as the phase - when the Muslim Arabs attacked the

* نویسنده مسئول: مه‌دی عبادی

†Corresponding Author: Mahdi ebadi
Email: mebadi@pnu.ac.ir

داشت، عملاً به بخشی مهمی از آن مبدل گردید.

از همان زمان آغاز فتوح اسلامی، نقش بین‌النهرین (عراق) و البته شهرها و مناطق مرزی بین ایران و شبه‌جزیره عربستان متحول شد. عراق برای اعراب مسلمان، در این زمان به‌مثابه حلقه وصل به قلمرو ساسانی و ایران محسوب می‌شد و به دلیل پیوستگی جغرافیایی آن با ایران از شرق و با شبه‌جزیره عربستان از جنوب، بستری شد تا به‌زودی ایران نیز از تحولات شبه‌جزیره متأثر شود (نک. تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۳۵-۳۴، ۱۷۹). پس از جنگ‌های رده، مسلمانان بر آن شدند تا اسلام را به مردمان سرزمین‌های دیگر عرضه دارند. در این میان، به‌طور طبیعی مناطقی مانند عراق که از نظر جغرافیایی ادامه شبه‌جزیره عربستان نیز محسوب می‌شدند (حسونه، [بی‌تا]: ۲۱)، با تمهیدات دفاعی و نظامی ساسانیان در مناطق مرزی از آن منفک و جدا می‌شد، در اولویت قرار گرفت تا تسلط بر آن، مقدمه‌ای برای فتح سراسری ایران باشد. با این اوصاف، شرایط جغرافیایی منطقه عراق در قالب موانعی طبیعی - جغرافیایی تأثیر قابل توجهی در روند حضور و تسلط نظامی مهاجمان عرب داشت. همان‌طور که در گزارش‌های منابع تاریخی، رویداد و برخوردهای نظامی صرفاً توصیف شده‌اند، در مطالعات صورت گرفته نیز به مسائل جغرافیایی به‌عنوان عامل تأثیرگذار و مهم در کم و کیف این فتوح عنایت لازم صورت نگرفته است، بر این اساس، پژوهش پیش‌رو بر آن است تا از منظر تأثیر عوامل جغرافیایی، روند حملات نخستین اعراب به مناطق - شهرهای مرزی ایرانی-ساسانی در بین‌النهرین را بررسی نماید و چگونگی تأثیرگذاری موقعیت و شرایط اقلیمی - جغرافیایی این مناطق در رویارویی نیروهای ساسانی و عرب مسلمان در مرحله اول فتح این نواحی (سال ۱۲هـ) را تبیین کند.

بین‌النهرین حدفاصل جهان ایرانی - ساسانی و شبه‌جزیره عربستان

سرزمین بین‌النهرین واقع در غرب ایران و شمال شبه‌جزیره عربستان بخشی از سرزمین‌های خشک و وسیعی محسوب می‌شود که از شمال آفریقا تا شرق آسیا گسترده شده است

border areas and attacked the border cities- that the gate of the conquest of Iran was practically opened for the Muslim Arabs.

Keywords: border cities of Iran, Mesopotamia, fall of the Sassanids, Islamic conquests, historical geography.

مقدمه

رویاری‌های نخستین و بسیار مهم مرزبانان و سپاهیان ساسانی با اعراب مسلمان در مناطق و شهرهای مرزی بین‌النهرین، بر روند فتح اسلامی این منطقه از قلمرو ساسانیان و سپس سراسر ایران تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت. فتوح اسلامی را می‌توان مهمترین تحول در تاریخ قرن اول هجری/هفتم میلادی در تاریخ جهان، اسلام و ایران دانست که جغرافیای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی-مذهبی جهان آن روزگار را دگرگون ساخت. در تحلیل‌های تاریخی از جمله فتوح اسلامی و فتح ایران، همواره بر نقش عاملان مستقیم و سیاست‌های دستگاه خلافت، لشکریان عرب و ایران، فرماندهان دو طرف و عوامل انسانی توجه می‌شود. با این اوصاف، رکن مهم دیگر در حوادث و وقایع تاریخی، عامل جغرافیا است که به‌مانند انسان (عامل و کنشگر) و زمان (شرایط زمانی) نقش و اهمیت آن در تحولات ادوار مختلف انکارناپذیر است. بدون تردید در روند فتوح اسلامی بخش زیادی از مناطقی که پیشتر مستقیم و غیرمستقیم تحت تسلط ساسانیان و امپراتوری بیزانس قرار داشتند، به قلمرو دولت نوظهور اسلامی تبدیل شدند، عامل جغرافیا، به‌هر دو صورت تسهیل‌کننده و در برخی مواقع به‌مثابه مانع در ضمن برخی رویدادها بسیار مهم و تعیین‌کننده بوده است. در این میان نکته جالب توجه اینکه این مهم در نخستین جنگ‌های ساسانی-اعراب مسلمان در مناطق و شهرهای مرزی بین‌النهرین نیز به شکل ویژه‌ای در تقابل دو طرف نقش آفرین شد. طی این تحولات دارالاسلام پهناور پدیدار شد و سرزمین و فلات ایران، که پیش از این اغلب تحت فرمان سلسله‌های قدرتمندی به‌مانند ساسانیان، بر مناطق پیرامونی نیز تسلط

بخشی از قلمرو دولت‌های ایرانی از جمله ساسانیان محسوب می‌شد (اله‌اشمی، ۱۹۳۰: ۲، ۲۸). قرار گرفتن شهر تیسفون، پایتخت زمستانی و مجموعه شهرهای مجاور (متشکل از پنج یا هفت شهر) مشهور به مدائن در بین‌النهرین، نشان‌دهنده اهمیت آن در دوره ساسانیان است (Morony, 2022; Kröger, 2022: iv/ 446؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۷؛ Shalem, 1994: 77). از این رو، ایرانیان اغلب این منطقه را قلب و دل ایران شهر می‌دانسته‌اند (الیعقوبی، ۱۴۲۲: ۳۸۰؛ المسعودی، [بی تا]: ۳۳؛ الحموی، ۱۹۹۵: ۲۸۹/۱ و نیز نک. مارکوارت، ۱۳۸۳: ۵۱؛ کولسنیکف، ۲۵۳۷: ۲۷۳).^۱ یکی از پدیده‌های طبیعی عراق، باتلاق‌های گسترده پدید آمده به واسطه سرزیر شدن آب‌های رودخانه‌های دجله و فرات بین کوفه و واسط در شمال و کوفه و بصره در جنوب بود که اعراب بدان‌ها بطائح می‌گفتند (الحموی، ۱۹۹۵: ۴۵۰/۱؛ Streck and El-Ali, 1986: i/1094-1095). با وجود اینکه ساسانیان توجه فراوانی به نظام آبیاری و زهکشی در بین‌النهرین داشته‌اند، اما در اواخر دوره ساسانی اراضی زیادی در نتیجه طغیان سیل به زیر آب رفتند و وسعت باتلاق‌ها بیشتر شد. در دوره خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۸م) با ساختن سدهایی بخشی از اراضی احیاء شد اما در دوره خسرو پرویز (۶۲۶ تا ۶۲۷م) آب رودخانه‌های دجله و فرات بالا آمد و با وقوع سیلاب‌هایی اراضی زیادی مجدداً به باتلاق تبدیل شد (الحموی، ۱۹۹۵: ۴۵۰/۱؛ Streck and El-Ali, 1986: i/1095) و از شمار کوره‌ها و طسوج‌های ساسانیان در این سرزمین کاسته شد (کولسنیکف، ۲۷۵؛ مشکور، ۱۳۷۱: ۸۵۲). از منظر بحث حاضر این اتفاق به این دلیل اهمیت دارد که در شرایطی که ساسانیان درگیر مشکلات داخلی بودند، وقوع این حوادث علاوه بر اینکه افزایش نارضایتی از آنها را به همراه داشت، نشان می‌دهد که رفته‌رفته به مانند سیلاب و گسترش غیرقابل مهار بطائح، امور بین‌النهرین نیز از دست ساسانیان خارج می‌شد و مانع از

(کالینز، ۱۳۸۴: ۱۲۰/۱). این سرزمین همواره گذرگاه لشکرکشی‌های نظامی از شرق به سمت غرب و بالعکس بوده است (Rzóska, 1980: 1-2). در روزگاران متقدم، بین‌النهرین حذفاصل و پیونددهنده ایران و شبه‌جزیره عربستان از طریق خشکی محسوب می‌شد. این سرزمین به انضمام مناطق بیابانی جنوب و غرب آن (شمال شبه‌جزیره عربستان و شرق بادیة الشام) در متون جغرافیایی دوره اسلامی با نام «عراق» شناخته می‌شود (نک. یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۱ به بعد؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۶۳، ۱۱۳ به بعد؛ حدود العالم، ۱۳۸۳: ۴۱۰-۴۰۵؛ ابن‌القیه، ۱۴۱۶: ۱۹۹). پیشینیان مناطق شمالی مرتفع و کوهستانی بین‌النهرین را بین‌النهرین علیا (سرزمین آشور قدیم) و مناطق جنوبی پست را بین‌النهرین سفلی (بابل قدیم) می‌نامیدند. در دوره اسلامی نیز تعبیر جزیره برای بین‌النهرین علیا و عراق برای بین‌النهرین سفلی رواج یافت (نک. ابن‌حوقل، ۱۹۳۸: ۲۰۷-۲۴۹)، کما اینکه به دلیل حاصلخیزی قسمت اخیر، اعراب آن را «سواد» نیز می‌نامیدند (الطبری، ۱۳۸۷: ۴۱/۲). رودخانه‌های دجله و فرات آب کافی را برای این منطقه فراهم می‌کردند و موجب حاصلخیزی خاک سواد می‌شدند. از این رو، در اغلب دوره‌ها این بخش از بین‌النهرین، کانون مهمی برای تحولات تاریخی-تمدنی بوده است و یکی از جنات اربعه دنیای قدیم دانسته می‌شد. در دوره ساسانیان مناطق بیابانی وسیع واقع در جنوب و غرب بین‌النهرین سفلی از نظر سیاسی بخشی از قلمرو این دولت محسوب می‌شد (نک. Miquel, 1986: iii/1251-1252؛ Donner, 1981: 157؛ سوسه، ۱۳۷۲: ۱). مناطق بیابانی از این نظر اهمیت داشته‌اند که در این نواحی برای امنیت مناطق مرکزی و شرقی بین‌النهرین، استحکامات و خط مرزی-دفاعی خاصی ایجاد شده بود. به واسطه همین پیوستگی سرزمینی با ایران و تمهیدات دفاعی مرزی در جنوب و غرب بین‌النهرین، این سرزمین برای مدت مدیدی

۱. این تصور تا بدان‌جا رواج داشته است که برخی جغرافیدانان متقدم مسلمان نیز آن را در نگاه‌های خود بازتاب داده‌اند (نک. ابن‌خردادبه، ۱۸۸۹: ۵؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۴؛ ابن‌القیه، ۱۴۱۶: ۳۸۰).

غربی فرات و در منتهی‌الیه مرزهای غربی ساسانی شهری موسوم به حیره^۱ بنا نهاده شد. الزامات سیاسی و نظامی لازم می‌نمود که قدرتی نیمه‌مستقل و وابسته به دولت مرکزی در این منطقه مستقر شود. آل‌منذر یا لخمیان، که از شبه‌جزیره به حیره مهاجرت کرده بودند، از طرف ساسانیان برای انجام این مهم انتخاب شدند. به آل‌منذر اجازه داده شد تا دولتی در حیره تشکیل دهند و مناطق جنوبی فرات و کرانه غربی آن را تحت سلطه درآوردند (کولینسکف، ۲۷۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ۱۰/۴؛ حورانی، ۱۳۸۴: ۳۰؛ Brunner, 1982: 3/757).^۲ در واقع، دولت ساسانی تلاش می‌کرد از قبایل عرب ساکن در عراق با کمترین هزینه، بیشترین بهره سیاسی و نظامی را داشته باشد (فاتحی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷/۶). در این مقطع، دولتی در شبه‌جزیره عربستان وجود نداشت که به واسطه رعایت ساسانیان از حملات قبایل صحراگرد به مرزهای ایران ممانعت نماید. از این رو، گماردن مرزبان‌هایی دائمی به صورت دولتی تحت‌الحمايه تدبیر خردمندان‌ای بود. بدین ترتیب، دولت لخمیان، به عنوان حدفاصل میان جهان متمدن ایرانی‌ساسانی و مناطق بدوی‌نشین شمال شبه‌جزیره عربستان ایفای نقش می‌کردند. همچنین، در قرن ششم میلادی نیز گروه‌های عرب دیگری مانند بنی‌تغلب و بکر بن وائل و بعد از آنها بنی‌تمیم، بنابر عوامل اقتصادی موطن خود را ترک کردند و در بیابان‌های پایین‌دستی فرات سکونت گزیدند (Sordel, 1986: iii/1254).

واقعه ذوقار و جنگ‌های رده زمین‌ساز یورش مسلمانان به بین‌النهرین

مقارن ظهور اسلام به‌رغم اینکه بین‌النهرین تحت فرمان ساسانیان بیش‌ازپیش در معرض طمع قبایل بیابانگرد عرب قرار گرفته بود، در اقدامی بحث‌برانگیز نعمان بن منذر (نعمان سوم: حک. ۵۸۳-۶۰۵م.) به دستور خسرو پرویز (حک.

توجه به مناطق مرزی و مسائل آن می‌شد. مناطق پست و بیابانی واقع در جنوب و غرب بین‌النهرین به دلیل متأثر شدن از شبه‌جزیره عربستان از نظر اقلیمی، آب‌وهوای خشک و بیابانی داشتند و تپه‌های شنی مشخصه جغرافیایی این مناطق بوده است (Rzóska, 1980: 1). در این مناطق، به دلیل فقدان رودخانه دائمی، امکان کشاورزی گسترده فراهم نبود و عمده ساکنان این نواحی مردمان کوچ‌نشین رمدار بودند (Donner, 1981: 167). همین تفاوت در شرایط اقلیمی - جغرافیایی موجب شده بود تا ساسانیان درحالی‌که تسلط بی‌واسطه‌ای بر بین‌النهرین اعمال می‌کردند، در خصوص این نواحی سیاست متفاوتی را در پیش بگیرند، به‌ویژه اینکه ایجاد امنیت پایدار در بین‌النهرین مستلزم توجه خاص به این منطقه بود.

علاوه بر تهدیداتی که از سوی امپراتوری بیزانس متوجه بین‌النهرین بود، این سرزمین در معرض تاخت‌وتازهای گاه‌وبیگاه صحرائشینان شمال شبه‌جزیره عربستان نیز قرار داشت که در زمان قحطی، به آبادی‌های مرزی یورش می‌بردند. ساسانیان با درک صحیح از این مسئله برای حفاظت از زمین‌های حاصلخیز داخلی بین‌النهرین و گرفتن مالیات از گروه‌های بدوی، شماری از پادگان‌های مرزی در نواحی حاشیه بیابان به وجود آوردند. آنها همچنین مناسبات سیاسی و اقتصادی-تجاری با طوایف عرب صاحب نفوذ نجد و شمال شرق شبه‌جزیره عربستان برقرار کردند و با اختصاص امتیازاتی، از نفوذ آنها برای ایجاد امنیت در مرزها بهره می‌گرفتند. اما مهم‌ترین اقدام ساسانیان ایجاد قدرت دست‌نشانده در مناطق غربی بود. ساسانیان از این تمهیدات به موازات هم برای ممانعت از ناامنی در مرزها و تضمین دریافت مالیات از ساکنان این مناطق استفاده می‌کردند (Donner, 1981: 171-172). در پیام فرمانروایی شاپور اول (حک. ۲۴۱-۲۷۱م.) در کرانه

آن را عهده‌دار بود در مقاطعی تا بدان حد قدرت یافت که حتی در تحولات داخلی دولت ساسانی نیز ایفای نقش کرد تا جایی که نعمان بن منذر (حک. ۴۶۲-۴۱۸م) در به تخت نشاندن بهرام گور دخالت داشت (حتی، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۱۰۳).

۱. حیره ظاهراً کلمه‌ای سریانی به معنی خیمه‌گاه و لشکرگاه است (نک. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ۱۵۵/۳؛ مشکور، ۱۸۶۵).
 ۲. دولت آل‌لخم به مدت ۳ قرن تا اوایل قرن هفتم میلادی (۶۰۲م) پابرجا بود (برای پادشاهان لخمی حیره نک. الأصفهانی، [بی‌تا]: ۷۴ به بعد؛ علی، ۱۴۱۲: ۱۷۶/۳ به بعد). آنها علاوه بر اینکه پاسبانی از مرزهای جنوبی و غربی

اختلافات عمیقی داشتند (نک. بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۲۵-۱۲۶) در عین حال، از خسرو پرویز و ساسانیان به شدت ناخشنود بودند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۳). در پی تلاش نیروهای ساسانی برای ممانعت از سرکشی‌های اعراب بیابانگرد، آنها با محوریت اعراب بکر بن وائل در نزدیکی آبگیر ذوقار (در جنوب حیره و حوالی کوفه کنونی) با مرزبانان ایرانی جنگیدند و شکستی تاریخی بر قوای ساسانی تحمیل کردند (۶۰۴ یا بین سال‌های ۶۰۹-۶۱۰ م). این پیروزی خیلی زود جزء ایام‌العرب درآمد (الیعقوبی، [بی تا]: ۲۱۵/۱؛ المسعودی، ۱۴۰۹: ۳۰۷/۱). اگرچه به نظر می‌رسد فرار اعراب هم‌پیمان ساسانیان (بنی تغلب) به هنگام جنگ، در شکست نیروهای ساسانی تأثیر داشت (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۱۲۹-۱۱۳۰؛ پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۲۷)، اما برخلاف تصور غالب، ظاهراً این اعراب در این زمان به ابزارهای جنگی پیشرفته‌تری (در مقایسه با ادوات سنتی قبیله‌ای‌شان) دسترسی پیدا کرده بود. این احتمال وجود دارد که این سلاح‌ها بعد از کشته شدن منذر سوم به دست اعراب افتاده بود و خسرو پرویز تلاش داشت این سلاح‌ها باز پس گرفته شوند (نک. پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۵). بنابر گزارش‌های تاریخی، نعمان بن منذر پیش از شتافتن به دربار ساسانی، دارایی‌ها و احتمالاً سلاح‌ها و ادوات جنگی خود را نزد بنی‌شیمان به امانت گذاشت (مسکویه، ۱۳۸۰: ۱۳۷/۱-۲۳۷-۲۳۸؛ سالم، ۱۳۸۰: ۲۱۳؛ پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۲۷؛ تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۳۱-۱۳۲). بنابر گزارش بلعمی نیز قبل از جنگ ذوقار ادوات جنگی (چهارصد اسب و چهارصد زره) در اختیار اعراب بنی‌شیمان قرار گرفته است (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۱۲۷ قس. سالم، همانجا). این پیروزی به اعراب جرأت و اعتماد نفس زیادی بخشید (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۴) و آنها پی بردند که ساسانیان فاقد قدرت ادوار پیشین هستند (برای بحث درباره ضعف دولت ساسانی نک. نفیسی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۶؛ تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۲ به بعد). واقعه ذوقار نشان داد که وجود آل‌لخم برای حفاظت از مرزهای ایران حیاتی بوده است (Shahid, 1986: v/633). در واقع، تأثیر واقعه ذوقار

۶۲۷-۵۹۰ م.) به قتل رسید و دودمان آل‌لخم برافتاد. اگرچه دلایلی مانند کینه شخصی و انتقام‌جویی سیاسی از سوی خسرو پرویز و نیز سعایت برخی مدعیان تاج و تخت حیره بر ضد نعمان، به‌عنوان انگیزه قتل وی عنوان می‌شود، اما ظاهراً افزایش قدرت نظامی و استقلال روزافزون لخمیان موجب هراس ساسانیان شده بود (دینوری، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰؛ کریستنسن، ۱۳۸۵: ۳۲۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۳۳؛ سالم، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۶). خسرو پرویز که قصد داشت بعد از برانداختن دولت آل‌لخم، قدرت دیگر تابع‌تر را در حیره جایگزین کند (نک. دینوری، ۱۳۸۶: ۱۱۰)، به‌صورت موقت امور حیره را به اساس بن قبیصة طایی (۶۰۵-۶۱۴) واگذار کرد (سالم، ۱۳۸۰: ۲۱۱). اما سیر حوادث مانع تحقق این سیاست شد و با قتل این پادشاه و فرو رفتن دربار ساسانی در هرج و مرج، اقدامی جدی در این باره به‌انجام نرسید. با توجه به تأثیر سقوط دولت آل‌لخم در تحولات تاریخی بعدازآن، گفته می‌شود که پایان دولت لخمیان، در واقع آغاز عصر جدیدی برای اعراب بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۴). به دنبال سقوط آل‌منذر دوره‌ای از آشوب در بین اعراب ساکن مناطق بیابانی ماوراء فرات نیز پدید آمد. در چنین شرایطی بود که طوایف عربی ساکن بیابان‌های مجاور سرحدات غربی ایران مانند تغلب، بکر، نمر و تنوخ در یورش تاراجگرانه به آبادی‌های مرزی مصمم‌تر شدند (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۸۶). از این‌رو، مقارن آغاز فتوح اسلامی، عملاً نظام دفاعی سازماندهی‌شده پیشین، که برای مدت مدیدی امنیت در مناطق را تضمین کرده بود، دچار کاستی‌های بنیادین شد. لخمیان در ادوار پیشین، با ایجاد توازن در مناسبات بین قبایل عرب، روابط آنها با ساسانیان را نیز تنظیم می‌کردند (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۶-۱۷)؛ اما با از میان رفتن این دولت، به دلیل فقدان نیروی هماهنگ‌کننده، آشوب و درگیری بین این قبایل پدیدار شد و با تشدید نافرمانی اعراب بدوی از ساسانیان، زمینه رویارویی مستقیم و اولین شکست ساسانیان از این طوایف فراهم گردید. به‌رغم اینکه قبایل و طوایف مختلف عرب با همدیگر

مأموریت خالد بن ولید برای سرکوب اهل رده در یمامه به‌تمام رسید، وی با دریافت دستوری از ابوبکر به‌همراه هجده‌هزار نفر راهی عراق شد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۳؛ العسلی، ۱۴۰۸: ۲۵۶/۱-۲۵۵). به‌رغم اینکه مسلمانان در این مرحله، نقشه مشخصی برای مواجهه با ساسانیان و فتح بین‌النهرین نداشتند، اما شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که فتح اسلامی بین‌النهرین در بازه زمانی پنج تا هفت‌ساله و به‌صورت گام به گام محقق شد (حسین مونس، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در واقع، تحولات بین‌النهرین و کشیده شدن پای سپاهیان مسلمان به مرزهای ساسانی در ادامه جنگ‌های رده، زمینه آغاز فتح اسلامی ایران را رقم زدند.

الگوی جغرافیایی فتح اسلامی شهرهای بین‌النهرین

از نقطه نظر نظامی قدرت‌های مهاجم برای تسلط بر یک سرزمین، به‌ناگزیر باید به جغرافیای این سرزمین توجه جدی داشته باشند و اساساً بدون فراهم آوردن تمهیدات لازم موفقیت اقدامات نظامی با دشواری‌های زیادی روبرو می‌شود. بر این اساس فتوح مسلمانان در بین‌النهرین و پیش‌روی آنها به‌سوی شرق مستلزم توجه به جغرافیای منطقه بوده است. فارغ از اینکه تا چه حد چنین توجهی مدنظر فاتحان مسلمان بوده است، شرایط جغرافیایی منطقه بر روند تحولات فتح اسلامی عراق تأثیرگذار بود. با وجود این، به دلیل نقلی بودن گزارش‌های تاریخی مربوط به فتوح اسلامی، بررسی روند تأثیر عوامل جغرافیایی بر فتح بین‌النهرین و ایران به دست اعراب مسلمان دشوار است؛ به‌رغم اینکه برخی جزئیات این جنگ‌ها در منابع تشریح شده، اما اغلب عوامل برتری مسلمانان در این نبردها مورد توجه واقع نشده است (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۸۲) و به همین دلیل نیز در بررسی فتوح اسلامی به مسائل جغرافیایی توجه چندانی نمی‌شود. پیامبر اسلام (ص) در فعالیت‌های نظامی‌شان در قالب غزوات و سریه‌ها بیشتر به مناطق شمالی شبه‌جزیره عربستان توجه نشان داده‌اند؛ بنابراین برخی تحلیل‌ها آن حضرت در صدد بوده‌اند مسلمانان را به این مهم توجه دهند که گسترش اسلام در خارج از شبه‌جزیره از همین

بر وقایع بعدی و به‌ویژه فتح اسلامی عراق اهمیتی به‌مراتب بیشتر از خود آن واقعه دارد (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۳). در این شرایط بود که ورود مسلمانان به بین‌النهرین، تحولات را به‌شکلی پیش برد که به‌دنبال آن فتح قلمرو پادشاهی ساسانی از مرزهای جنوب غربی آن آغاز گردید (کامرون، ۱۳۷۴: ۶-۷؛ اسپولر، ۱۳۷۹: ۶/۱).

در کنار واقعه ذوقار رویداد مهم دیگری که زمینه‌ساز مهمی برای آغاز فتح اسلامی بین‌النهرین و ایران شد جنگ‌های رده بود که دامنه آن تا مناطق شمالی شبه‌جزیره عربستان کشیده شده بود (Kenney, 2007: 56). علاوه بر سرکوب از دین‌برگشتگان، یکی از اهدافی که در این لشکرکشی‌ها دنبال می‌شد، مسلمان کردن اعرابی بود که هنوز اسلام نیاورده بودند و ساکنان مناطق مجاور مرزهای ساسانی نیز از آن جمله بودند (نک. البلاذری، ۱۹۸۸: ۹۱، ۹۴). مقارن از میان رفتن غائله رده، برخی قبایل عرب از جمله قبایل بکر بن وائل با استفاده از بی‌توجهی ساسانیان به تحولات پیرامونی، نواحی مرزی را مورد تاخت‌وتاز قرار می‌دادند؛ همچنین بنی شیبان و بنی عجل نیز به رهبری مثنی‌بن حارثه و سوید بن قطیبه در حوالی حیره و ابله مشغول دست‌درازی به مرزهای ایران بودند (دینوری، ۱۳۸۶: ۱۱۱). مثنی‌بن حارثه از محلی موسوم به خفان در نزدیکی حیره و حوالی بیابان فعالیت‌های غارتگرانه خود را پیش می‌برد. این نیروها بعد از غارت به عمق صحرا عقب می‌نشستند و از مزیت بیابان برای در امان ماندن از تعقیب نیروهای ساسانی بهره می‌گرفتند. با رسیدن دامنه حضور قدرت دولت اسلامی به نواحی شمالی شبه‌جزیره عربستان، مثنی‌بن حارثه با درک درست از شرایط، راهی مدینه شد و نزد ابوبکر به اسلام اقرار کرد تا بدین طریق نظر خلیفه مسلمین را به نواحی عراق و بین‌النهرین جلب نماید (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۴). اعراب ساکن مناطق بیابانی جنوب و غرب بین‌النهرین با شرایط و جغرافیای آن آشنایی کاملی داشتند و همین امر در فتوح مسلمین این نواحی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. بدین ترتیب، یک نمای اولیه از امکان فتوح قلمرو غربی ساسانیان (عراق) از سوی مثنی‌بن حارثه برای مسلمانان ترسیم شد. از این‌رو، زمانی که

داشته است (کالینز، ۱۳۸۴: ۱/نوزده). بر همین اساس نیز بهره‌گیری از شرایط جغرافیایی بین‌النهرین در تحرکات نظامی و تبدیل آن به نقطه قوت در مقابل سپاهیان ساسانی و نیز غلبه بر موانع جغرافیایی و محیطی، شرایط را به نفع سپاهیان عرب مسلمان تغییر می‌داد. اگر ایرانیان در آغاز هجوم مسلمانان به بین‌النهرین، با در پیش گرفتن برنامه دفاعی (استراتژی) روشنی از موانع طبیعی بین‌النهرین و به‌ویژه از دو رودخانه پرآب فرات و دجله، که عموماً در فصل زمستان و بهار دچار طغیان می‌شدند، استفاده می‌کردند، می‌توانستند موانع جدی در استمرار فعالیت‌های نظامی اعراب در بین‌النهرین ایجاد کنند (چوکسی، ۱۳۸۵: ۲۶)؛ به‌ویژه اینکه اهم رویارویی‌های دو طرف در عراق بیشتر در کنار فرات و شعبه‌های مختلف آن روی داد (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۸۶). با این اوصاف، سرعت در جابجایی سپاهیان در مواضع مختلف در اطراف دجله و فرات، به‌ویژه مناطق بیابانی در مرحله نخست فتح منطقه، یکی از امتیازات ویژه سپاهیان مسلمان بود (نک. Caetani, 2008: 1).

رویارویی‌های نخستین و پیروزی غافلگیرکننده: جنگ ذات‌السلاسل

نکته مهم از منظر جغرافیایی در این مرحله از رویارویی نظامی میان مهاجمان مسلمان و مرزداران ساسانی، این است که جنگ‌های صورت گرفته بین دو طرف عمدتاً در مناطق مرزی روی دادند، محل‌هایی که جنگ بین دو طرف در آنها روی داد، مناطق بیابانی بودند و نه تنها مانع طبیعی و جغرافیایی در مقابل مهاجمان قرار نداشت، بلکه تا حدود زیادی از نظر اقلیمی به نفع آنها بود و سپاهیان مسلمان کاملاً با شرایط آن آشنایی داشتند (حسونه، [بی‌تا]: ۲۲). نارضایتی اعراب بادیه‌نشین از ساسانیان، سخت‌گیری‌ها که بر ضد آنها در ادوار پیشین اعمال شده بود، در این زمان به‌عنوان عنصری تسهیل‌کننده در خدمت مسلمانان قرار گرفت (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۳۲-۱۳۳). بعد از سرکوب

مسیر صورت می‌گیرد.^۱ از این رو، بنا بر برخی تحلیل‌ها پیوند روشنی بین غزوات دوره رسول اسلام (ص) و فتوح اولیه بعد از رحلت آن حضرت در خارج از شبه‌جزیره از جمله فتح عراق و ایران وجود داشته است (مونس، ۱۳۷۵: ۱۳۷-۱۳۹). فارغ از صحت و سقم این تحلیل، توجه پیامبر (ص) به دعوت قبایل عرب شمال شبه‌جزیره به اسلام، زمینه توجه مسلمانان به این نواحی بعد از رحلت ایشان را در پی داشت. نکته جالب توجه در فتح عراق توسط مسلمانان این است که روند پیشبرد این فتوح تا حدود زیادی با الگوی جغرافیایی (جغرافیای طبیعی و نظامی) آن منطبق و متناسب بوده است. تحرکات سریع، مؤثر و متناسب با شرایط سپاهیان مسلمان در بین‌النهرین نشان می‌دهد که در شرایطی که ساسانیان برای دفاع از منطقه طرح و برنامه خاصی در پیش نگرفته بودند، شرایط محیطی - جغرافیایی عراق نیز مانع خاصی برای مسلمانان ایجاد نکرد. با تکیه بر همین واقعیت، می‌توان فتوح اسلامی در عراق را در سه مرحله متمایز مورد توجه قرار داد: مرحله اول، استقرار در مناطق بیابانی جنوبی و غربی مجاور بین‌النهرین و استقرار مسلمانان در آن (سال ۱۲هـ)؛ مرحله دوم، ایستادگی در مقابل ساسانیان، حفظ مواضع و تثبیت حضور در مناطق مفتوحه (۱۴-۱۳هـ) و مرحله سوم فتح مدائن و سراسر سرزمین بین‌النهرین (۱۴-۱۷ یا ۱۹هـ). در هر کدام از این مراحل، فارغ از کم و کیف مواجهه ساسانیان و قوای نظامی آنها با نیروهای مسلمان، شرایط و موانع جغرافیایی در روند فتوح، پیروزی‌ها و برخی شکست‌های مسلمانان نقش و تأثیر بسزایی داشت. در جنگ‌های بزرگ و مهم، در کنار تجهیزات و نیروی انسانی - نظامی، جغرافیا و شرایط فیزیکی مناطق جنگی تعیین‌کننده بوده است و اغلب سپاهی که با اساس قرار دادن شرایط جغرافیایی و شناخت از آن طرح‌ها و تاکتیک‌های مدنظر خود را پیش برده، نتایج بهتری را نیز برای خود رقم زده است. به همین دلیل نیز گفته می‌شود که جغرافیا همواره نقش مهم و بسزایی در جنگ‌ها

۱. از آن جمله می‌توان به سریه مؤته در جنوب بلاد غسان و مرزهای امپراتوری بیزانس (سال ۸هـ) و غزوه تبوک در همان منطقه (سال ۹هـ) اشاره کرد.

اهل‌رده و در استمرار لشکرکشی‌های صورت‌گرفته به یمامه، اولین حضور نظامی مسلمانان به فرماندهی خالدبن‌ولید در مرزهای دولت ساسانی در عراق در اوایل سال ۱۲هـ. (اوایل بهار) حادث شد. سپاهیان مسلمان تحت فرمان خالدبن‌ولید، پس از پیوستن مثنی‌بن‌حارثه، از منتهی‌الیه شمالی خلیج فارس و سواحل غربی فرات پیش‌روی خود به سمت قلمرو ساسانی را آغاز کردند (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۸۱).

تلاش مسلمانان برای آغاز فتح اسلامی بین‌النهرین از حدود ابله نیز جالب‌توجه است. آنها به ثروت ابله، که از طریق تجارت با هند حاصل شده بود، به‌عنوان پشتوانه مالی و اقتصادی برای ادامه حملات خود توجه داشتند (نک. رجبی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۸). از این‌رو، اولین رویارویی بین نیروهای مسلمان تحت فرمان خالدبن‌ولید و مرزبانان ساسانی تحت فرمان هرمزد حاکم ابله (در نزدیکی بصره امروزی) به وقوع پیوست (محرم سال ۱۲هـ). ساسانیان برای تأمین امنیت مرزهای این منطقه در مقابل تاخت‌وتازهای اعراب بیابانگرد و تهاجم‌های دریایی، نیروهایی را در پایگاه مرزی حفیر مستقر کرده بود (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۳، ۳۴۷-۳۴۸). یکی از مسائل مهم در اولین رویارویی، بهره‌گیری خالدبن‌ولید از اصل فریب و سردرگم کردن سپاهیان ساسانی بود. خالد در ابتدا طی نامه‌ای هرمزد را به اسلام دعوت نمود و با تقسیم نیروهای تحت فرمان خود به چند دسته، بدان‌ها دستور داد که از مسیرهای متفاوتی حرکت کنند و در حفیر به همدیگر ملحق شوند. هرمزد نیز در کنار درخواست قوای کمکی از تیسفون، برای مقابله با مهاجمان راهی کاظمه واقع در حاشیه بیابان در نزدیکی بصره (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۳۸۷) محل استقرار اولیه قوای مسلمان شد. اما زمانی که او به این محل رسید، متوجه شد سپاه مسلمانان راهی حفیر (در جنوب غربی بصره کنونی) شده است. در شرایطی که نیروهای ساسانی بر اساس این اطلاعات راهی حفیر شدند، خالد مجدداً نیروهای خود را به سمت کاظمه برد (العسلی، ۲۵۷/۱-۲۵۷). در واقع این جابجایی‌ها به‌صورت هدفمند برای سردرگم کردن و تحلیل بردن توان رزمی نیروهای

ساسانی بود و نشان می‌دهد که خالد از شرایط سوق‌الجیشی منطقه به‌خوبی آگاهی پیدا کرده بود. در نتیجه این تمهیدات، هرمزد که این بار پیش از سپاهیان مسلمان به کاظمه رسیده بود، سعی کرد لشکرگاه خود را بین رود فرات (یا نهر آبی متصل به فرات) و محل استقرار سپاهیان مسلمان قرار دهد و از دسترسی آنها به آب جلوگیری کند (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۸). در واقع، هرمزد درصدد بود با استفاده از شرایط جغرافیایی، مهاجمان مسلمان را در تنگنا قرار دهد. گزارش منابع اسلامی مبنی بر اینکه بارش باران یاریگر مسلمانان شد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۹)، نشان می‌دهد که سپاهیان مسلمان به‌رغم قرار گرفتن در تنگنا، در نهایت توانسته‌اند راهی برای دسترسی به آب پیدا کنند. خالدبن‌ولید با اطلاع از نقشه فرمانده ساسانی، برای ممانعت از تضعیف روحیه مسلمانان در شروع جنگ تسریع کرد و با بیانی هیجانی سپاهیان مسلمان را برای جنگیدن تحریض نمود (الطبری، ۳/۳۴۹/۱۳۸۷). این اقدام موجب شد تا نیروهای کمکی ارسالی ساسانی از پایتخت نتوانند به‌موقع خود را به معرکه جنگ برسانند. اگرچه هرمزد تلاش کرد با کشتن فرمانده جبهه خصم را به آشوب کشاند، اما در جنگ رودررو با خالد کشته شد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۹). ظاهراً به‌دلیل سخت‌گیری‌های هرمزد وی به‌شدت منفور بود و همین امر هم در همراهی اعراب این نواحی با مسلمانان برای شکست دادن وی تأثیرگذار بود (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۹). بدین‌ترتیب، به‌رغم تمهیدات هرمزد و تلاش وی برای بهره‌گیری از شرایط جغرافیایی و سوق‌الجیشی، مسلمین فاتح این رویارویی نخستین در مرزهای ساسانی شدند. این نبرد به‌دلیل شباهت صفوف سواران زره‌پوش (سواره‌نظام) ساسانی به رشته زنجیر آهنی، که برای آنها تازگی داشت، به

جنگ ذات‌السلاسل مشهور شده است.^۱

در ساحل غربی دجله قرار داشت و تقریباً مجاور مناطق مرکزی بین‌النهرین بود، نشان می‌دهد که خالد در یورش به این منطقه برای غافلگیر کردن سپاهیان ساسانی دست به اقدام تهورآمیزی زد و از توان صحرانوردی سپاهیان به‌خوبی بهره برد. در واقع ایرانیان شکست در کاظمه را به‌مثابه درگیری مرزی فرض کرده بودند و انتظار نداشتند که سپاهیان مسلمان در لشکرگاهشان در مذار به آنها حمله کنند.

جنگ الوَلَجَة: غافلگیری در کمینگاه بیابانی

وصول خبر دو شکست متوالی مرزبانان ساسانی در کاظمه و مذار موجب شد یکی از امرای ساسانی به نام اندرزغر (اندرزگر) مأموریت پیدا کند با در اختیار گرفتن تجهیزات لازم برای لشکرکشی به مقابله با مهاجمان مسلمان بشتابد. در درگیری اولیه که اندرزغر با برخی دسته‌های عرب مسیر حرکت خود از جمله در کسکر داشت، پیروزی‌هایی را به دست آورد و در به و لَجَة در مجاورت صحرا موسوم و ملتقای فرات و دجله در کسکر (نک. یاقوت الحموی، ۱۹۹۵: ۳۷۳/۵) لشکرگاه خود را برپا ساخت. اندرزغر قصد داشت برای رویارویی با مسلمانان از آنجا راهی حفر شود. اما خالد با اطلاع از تحرکات اندرزغر، مجدداً درصدد استفاده از اصل غافلگیری برآمد. او برای حفظ موضع در حفر، دسته‌ای از همراهان خود را به فرماندهی سویدبن مقرن آنجا باقی گذاشت و به‌سرعت به موازات رود دجله به‌سوی ولجه پیشروی کرد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۳). او با درک شرایط منطقه و ضعف سپاهیان ساسانی در نبردهای نواحی بیابانی، نیروهای تحت فرمان اندرزغر را بعد از خروجشان از لشکرگاهشان، در محلی بیابانی غافلگیر کرد. او دو دسته از نیروهای مسلمان به‌فرماندهی بسر بن‌ابی‌رهم و سعیدبن‌مره عجلی را از سپاه اصلی جدا ساخت و در دو

تلاش نافرجام برای جبران شکست در مذار: واقعه ثنی

نیروهای ارسالی از تیسفون به فرماندهی قارن بن قریانس در حدود مذار (کنار یکی از شعب دجله به سمت ابله و کاظمه) از طریق بقایای سپاه ساسانی از شکست هر مزد در کاظمه خبردار شدند. موقعیت جغرافیایی مذار به‌گونه‌ای بود که از یک‌سو به دجله و از سوی دیگر به بیابان محدود می‌شد (الیعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۹؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۱۷). قارن با سازماندهی مجدد سپاهیان ساسانی، فرماندهی جناحین سپاه را به قباد و انوشجان واگذار نمود که در جنگ کاظمه نیز با مسلمانان جنگیده بودند. خالد بن ولید از طریق مثنی‌بن‌حارثه از تجمع سپاهیان ساسانی در مذار اطلاع یافت و به‌سرعت خود را به مذار رساند. به‌نظر می‌رسد قوای ساسانی مستقر در مذار هنوز به‌طور کامل مهیای جنگ نبودند، خالد از این فرصت استفاده کرد و با یورش به سپاه ساسانی، به‌مانند جنگ کاظمه، قارن را به قتل رساند و به دنبال آن فرماندهان جناحین نیز کشته شدند (صفر ۱۲هـ). نکته مهم از نظر تاریخی-جغرافیایی درباره این جنگ این است که سپاهیان ساسانی با مشاهده نشانه‌های شکست درصدد برآمدند با گذشتن از دجله جان خود را نجات دهند، اما تنها تعدادی از آنها توانستند با استفاده از قایق خود را به ساحل شرقی آن برسانند و به همین دلیل نیز نزد اعراب این جنگ به «وَقْعَةُ الثَّنِيَّةِ» (ثنی به معنی رود یا نام نهری از دجله) معروف شد. به این ترتیب، مجدداً مرزداران و سپاهیان ساسانی شکست خوردند و غنائم زیادی (و ادوات جنگی سپاه ساسانی) نصیب مسلمانان شد (البلاذری، ۱۹۸۸: ۲۳۹، ۲۵۰؛ الطبری، ۱۳۸۷: ۲۵۲/۳-۲۵۱). در واقع، وجود مانع رودخانه (دجله) صرفاً موجب شد تا تعدادی از سپاهیان ساسانی بتوانند جان خود را نجات دهند (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۸۱). توجه به اینکه مذار

آنها به واقعه ذات‌السلاسل مشهور شد (نک. پیرنیا، تاریخ ایران قبل از اسلام، ۲۲۸).

۱. همچنین این احتمال وجود دارد که مرزبانان ساسانی قصد داشتند از زنجیر به‌عنوان ابزار جنگی یا احیاناً برای در بند کشیدن اسراء استفاده کنند، اما چون بعد از جنگ این زنجیرها به دست مسلمانان افتاد، این جنگ نزد

کمی‌نگاه متفاوت در بیابان قرار داد. سپس در رویارویی با نیروهای اندرزغر، نیروهای مسلمان تظاهر به شکست کردند و به طرف بیابان عقب نشستند. در چنین شرایطی بود که نیروهای در کمین به یکباره از کمین خارج شدند و با حمله‌ور شدن به سپاه ساسانی از پشت سر، روند جنگ را به نفع مسلمانان تغییر دادند و برای سومین بار در رویارویی با سپاه ساسانی نیز به پیروزی رسیدند (صفر ۱۲هـ). در این جنگ شمار زیادی از اعراب هم‌پیمان نیروهای ساسانی کشته شدند و اندرزغر نیز که موفق شده بود جان خود را از معرکه به‌در برد، از تشنگی در بیابان جان سپرد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۳-۳۵۴؛ ابن‌الجوزی، ۱۴۱۲: ۱۰۲/۴).

کشتار خونین اسراء: جنگ اَلیس و نهرالدَم

بعد از پیکار ولجة گروهی از اعراب هم‌پیمان ساسانیان، که شماری از آنها در این جنگ به دست مسلمانان کشته شده بودند، در موضعی موسوم به اَلیس در کرانه فرات در جنوب حیره، گرد هم آمدند تا از مسلمانان انتقام ستانند. آنها همچنین طی نامه‌ای از دولت ساسانی خواستند تا در جنگ با مسلمانان مورد حمایت قرار گیرند. در گزارش طبری دو وجه مهم رویدادهای منتهی به جنگ اَلیس آشکار می‌شود. گروه‌های عرب ساکن این نواحی تحت تأثیر رقابت‌های طایفه‌ای، سیاسی و مذهبی با همدیگر دشمنی می‌کردند که طی آن کسانی مانند عتبه بن نهاس از بنی‌عجل در صف مسلمانان، با عبدالأسود عجلی نصرانی هم‌پیمان ساسانیان دشمنی می‌ورزیدند (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۵/۳). این کینه‌ورزی‌ها از این لحاظ اهمیت دارد که خالد بن ولید از آن به خوبی به نفع مسلمین بهره جست. ناهماهنگی بین فرماندهان ساسانی و عدم فرمانبری آنها از پادشاه ساسانی، وجه مهم دیگر روایت طبری است. به‌رغم اینکه اردشیر سوم (د. ۶۲۹م) به بهمن جادویه سردار ساسانی در قُسیا/ قسیانا (؟) دستور داده بود تا برای کمک به اعراب متحد ساسانیان به اَلیس بشتابد، اما وی به دلیل نگرانی از تحولات پایتخت، به ارسال یکی از زیردستان خود به نام بهمن جابان اکتفاء کرد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۵/۳). خالد قصد داشت بنابر

شیوه معمول خود در این جنگ‌ها، قبل از رسیدن سپاهیان ساسانی به متحدان عرب مسیحی‌شان در اَلیس، آنها را غافلگیر کند. اما به دلیل اینکه نیروهای ساسانی قبل از اجرای این طرح به اَلیس رسیدند، این نقشه عملی نشد. با این اوصاف، بی‌انضباطی و عدم فرمانبری از فرمانده در جبهه ساسانی - اعراب مسیحی، شرایط را به نفع مسلمین پیش برد. هم‌پیمانان عرب ساسانیان به‌رغم دعوت اولیه خود، از سردار ایرانی فرمان‌پذیری لازم را نداشتند. خالد با بهره‌گیری از این فرصت که هنوز نیروهای گردآمده در اَلیس سرگرم بحث درباره اتخاذ نقشه مدنظر برای رویارویی با مسلمانان بودند، با یورش ناگهانی مانع هرگونه اقدام مؤثری از سوی آنها شد. اردوگاه ساسانیان در این جنگ نیز در کناره غربی رود فرات قرار داشت و سپاهیان مسلمان از این مزیت برخوردار بودند که از شرایط بیابانی محل وقوع جنگ و نواحی مجاور آن به نفع خود استفاده نمایند. بدین ترتیب، بار دیگر پیروزی نصیب مسلمانان شد (صفر ۱۲هـ) و شمار زیادی از سپاهیان ساسانی و متحدان عرب مسیحی آنها (حدود هفتاد هزار نفر) کشته شدند (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۶/۳-۳۵۸). بنابر گزارش منابع، بعد از اتمام جنگ، تعداد زیادی از اسراء به دستور خالد بن ولید در کنار نهر گردن زده شدند و به دلیل رنگین شدن آب رودخانه ناشی از سرازیر شدن خون کشته‌شدگان، نام «نهرالدَم» بدان اطلاق گردید (البلاذری، ۱۹۸۸: ۲۴۰؛ الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۷/۳). سپاه مسلمانان در صدد برآمدند از فتوحی که در اَلیس به دست آورده بودند برای تسلط بر نواحی اطراف استفاده نمایند. از این رو، به دستور خالد بن ولید شهر امغیشیا واقع در شمال اَلیس را، که ساکنان آن با سپاه ساسانی در اَلیس همراهی کرده بودند، غارت و ویران شد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۵۸/۳). با توجه به اینکه هدف اصلی خالد یورش به حیره و فتح آن بود و امغیشیا از نظر موقعیت جغرافیایی در شمال اَلیس و در مسیر حیره قرار داشت، می‌توان این احتمال را در نظر داشت که وی قصد داشت خطرات احتمالی حضور نیروهای ساسانی در امغیشیا را از میان بردارد تا در زمان محاصره حیره مسلمانان از پشت سر مورد حمله قرار نگیرند.

نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت بین‌النهرین ساسانی و شهرهای آن ایفا می‌کرد.

حیره در اصل قلعه مستحکم در منتهی‌الیه غرب بین‌النهرین و در حاشیه صحرا بود که به تدریج به شهری با جمعیت پرشمار تبدیل شده بود. آب موردنیاز ساکنان این قلعه - شهر واقع در غرب رود فرات، از طریق نهری متصل به این رودخانه تأمین می‌شد (علی، ۱۴۱۲: ۱۵۸/۳). همچنین برای جلوگیری از یورش‌های بدویان در قسمت غربی حیره، خندق موسوم به خندق سابور (خندق شاپور) کنده شده بود. همچنین اغلب کاروان‌های راهی شبه‌جزیره، شامات و ایران از حیره می‌گذشتند (حسونه، [بی‌تا]: ۲۳؛ Beeston and Shahid, 1986: iii/462; Donner, 1981: 157). مهم‌ترین قلعه‌های حیره در زمان حمله مسلمانان با نام قصر (قصور) شناخته می‌شدند. خالد در محلی نزدیک حیره، لشکرگاهی برپا ساخت و با هدف محاصره این قلاع، سپاهیان تحت فرمان خود را به چهار دسته تقسیم کرد. هرکدام از این دسته‌ها موظف به محاصره قلعه‌قصرهای (شهرک‌های) ابیض، عدسین، بنی‌مازن و ابن‌بقلیه شدند. اگرچه ساکنان عمدتاً نصرانی این قصور درصدد مقاومت برآمده بودند، اما با مشاهده جهد مسلمانان، به مصالحه و تسلیم متمایل شدند (ربیع‌الاول ۱۲هـ). عرب بودن ساکنان شهر، فقدان حمایت نظامی از سوی دولت ساسانی و سیاست‌پیشه بودن خالدبن‌ولید تأثیر تعیین‌کننده‌ای در این مصالحه داشت. خالد در مذاکرات خود با بزرگان حیره به یکی بودن زبان و پیشینه دو طرف تأکید کرد و این مهم در تلطیف مواضع آنها و پذیرش صلح و پرداخت خراج (جزیه) از سوی آنها تأثیرگذار شد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۶۰/۳-۳۶۳). با سقوط حیره، مهم‌ترین هدف مرحله نخست فتوح اسلامی در بین‌النهرین - عراق محقق شد (حسونه، [بی‌تا]: ۲۲). تسلط بر حیره، علاوه بر اینکه به معنی تسلط بر اکثر نواحی مهم و سوق‌الجیشی غرب رود فرات محسوب می‌شد و خطر حمله سپاهیان ساسانی به قوای مسلمان از پشت سر را از میان می‌برد. بدین ترتیب، خالد با غلبه بر حیره، ساسانیان را هم از پایگاهی مهم و سوق‌الجیشی محروم ساخت و

سقوط حیره و تهدید تیسفون

مهم‌ترین دستاورد مرحله اول فتح اسلامی در عراق از نظر سرزمینی - جغرافیایی تسلط بر حیره بود. زمانی که خبر پیروزی مسلمانان در آلیس و ویرانی امغیشیا و نیز پیشروی آنها به سوی حیره، به آزادبه (آذادبه) حکمران ایرانی حیره رسید، وی درصدد برآمد مقدمات لازم برای دفاع را فراهم نماید. مسلمانان در این جنگ برای اولین بار درصدد برآمدند از رودخانه برای انتقال نیروهای خود استفاده کنند. بنابر طرح خالدبن‌ولید، پیاده‌نظام مسلمانان با سوار شدن به قایق از طریق فرات به سوی حیره روانه شدند و سپاهیان سواره نیز مسیر کرانه غربی رودخانه را در پیش گیرند. ایرانیان پس از آگاهی از شیوه جابجایی سپاهیان مسلمان از طریق مسیر رودخانه، به دستور آزادبه سعی کردند با ایجاد سد در مسیر رودخانه و تغییر مسیر آن به نهرهای فرعی در جابجایی نیروهای مسلمان اخلال ایجاد کنند. این ترفند تا حدودی کارساز شده بود؛ اما خالد با پیشروی از طریق خشکی، در موضعی بیابانی در حاشیه فرات به سمت حیره موسوم به مَقر، نیروهای پیشتاز ساسانی را تارومار کرد و سپس در یورش سریع سواران همراه پسر آزادبه را در فم‌الفرات از پای درآورد. به دنبال این پیروزی‌ها، سدهای ایجادشده بر مسیر فرات گشوده شد و امکان انتقال سپاهیان مسلمان از طریق قایق به سمت حیره ممکن گردید (الطبری، ۱۳۸۷: ۳۹۵/۳). بنابر نقشه خالد بن ولید دو دسته پیاده و سواره مسلمانان، در مسیر پیشروی به سوی حیره در محلی بین خورنق و نجف به هم ملحق شدند. آزادبه با دریافت خبر کشته شدن فرزندش به دست خالد و اطلاع از مرگ اردشیر سوم، مواضع خود را رها کرد و حیره را بدون دفاع واگذاشت. به نظر می‌رسد اوضاع آشفته پایتخت ساسانی و روحیه پایین نیروهای تحت فرمان آزادبه، وی را به این نتیجه رسانده بود که به مانند جنگ‌های پیشین تقابل با سپاهیان مسلمان در این مقطع نتیجه‌ای در پی نخواهد شد (رجبی، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۸). بدین ترتیب، شرایط مطلوبی برای تسلط بر شهر مهم و سوق‌الجیشی حیره برای مسلمان فراهم شد که

مستقر شدند (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۷۱-۳۷۲). به نظر می‌رسد این تمهید تا حدودی کارساز شد و از یورش اعراب در این زمان به سوی مدائن ممانعت به عمل آمد. در روزگار ساسانی بعد از تیسفون، انبار دومین شهر بزرگ غرب ایران محسوب می‌شد (فاتحی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۷/۶) و مرکز ذخیره غله، آذوقه و سازوبرگ سپاه ساسانی بود و به همین دلیل نیز بدین نام خوانده می‌شد (البلادری، ۱۹۸۸: ۲۴۳؛ مشکور، ۱۳۷۱: ۸۶۵؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۶: ۱۸۰/۱). خالد بن ولید در اقدام تهورآمیزی درصدد گشودن انبار برآمد تا بیش‌ازپیش به مدائن (تیسفون) نزدیک شود و پایتخت‌نشینان ساسانی را در تنگنا قرار دهد. بنابر گزارش منابع، شیرزاد حاکم ساباط در این زمان وظیفه محافظت از شهر انبار را بر عهده داشت. انبار از نظر نظامی نیز اهمیت ویژه‌ای داشت و ساسانیان آن را به صورت دژی تسخیرناپذیر و پایگاهی برای تجمع سپاهیان جهت مقابله با تهاجم رومیان از سمت فرات درآورده بودند (فاتحی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۷/۶). نیروهای مدافع شهر تلاش کردند از استحکامات شهر از جمله خندق در دفاع بهره‌گیرند و از ورود مهاجمان به شهر ممانعت کنند. در گزارش تاریخی مربوط به این واقعه آشکارا از نقش شتران و روند بهره‌گیری از این حیوان در فتوح اسلامی سخن به میان آورده می‌شود. استفاده اعراب مسلمان از شتر برای درنوردیدن مسیرهای بیابانی و استفاده از آن برای عبور از خندق انبار نشان می‌دهد که چگونه تجربه زیسته اعراب در صحرای عربستان در این مناطق یاریگر آنها در امر فتح بوده است. خندق مملو از آب به صورت یک مانع جدی، ورود مهاجمان مسلمان به انبار را دشوار می‌نمود (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۷۲-۳۷۳). از این رو، مسلمانان برای عبور از آن، شترهای فرتوت را ذبح کردند و نعش آنها را در خندق انداختند (العسلی، ۲۶۷/۱). علاوه بر آن، خالد بن ولید در محاصره انبار با مشاهده مقاومت مدافعان درصدد برآمد با استفاده از تیراندازان روحیه مدافعان شهر را تضعیف کند. بنابر دستور خالد، تیراندازان چشم مدافعان بر روی حصارهای شهر را نشانه رفتند و به همین دلیل نیز از این

هم زمینه لازم برای ادامه فتوح منطقه را تضمین نمود. همچنین، مشخص شد که تصور ساسانیان از پیشروی اعراب مسلمان به مثابه حملاتی غارتگرانه اشتباه بوده است (نک. پطروشفسکی، ۱۳۵۳: ۴۰).

بعد از تسلط مسلمانان بر حیره، صلوبا بن نسطونا حاکم نصرانی قس‌الناطف (واقع در منطقه بیابانی شمال غرب حیره) برای ممانعت از یورش به این قریه در ارائه درخواست صلح پیش‌دستی کرد و با پذیرش پرداخت جزیه و استقرار پادگانی از مسلمانان در قس‌الناطف اعلام اطاعت کرد (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۶۷). همچنین یکی از وقایع جالب توجه به عنوان پیامد تسلط مسلمانان بر حیره این بود که برخی از دهقانان برجسته منطقه مانند زادبن‌بهبیش و صلوبا بن نسطونا بن‌بصبهری درصدد مذاکره با مسلمانان برآمدند در خصوص اراضی واقع بین فاللیج و هرمزجرد مذاکره کردند و پرداخت خراج سالیانه را پذیرفتند (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۶۸). تسلط بر حیره شرایط در جبهه رویارویی مسلمانان و ساسانیان را به شکل قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار داد. خالد بن ولید که همزمان با توجه به مسائل نظامی، تحولات پایتخت ساسانی را نیز دنبال می‌کرد، با اطلاع از مرگ اردشیر سوم (۶۲۹م) و آشفتگی حاصل از آن، تسلط بر تیسفون و مدائن را نیز در ذهن خود می‌پروراند. از این رو، بعد از تسلط بر حیره و تثبیت مواضع مسلمانان، درصدد برآمد یورش به پایتخت ساسانیان را نیز زمینه‌سازی کند. او طی نامه‌ای به دولتمردان ساسانی (ملوک فارس) در تیسفون، تهدید کرد که در صورت عدم پذیرش اسلام عواقب ناخوشایندی در انتظار آنها خواهد بود (الطبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۷۰).

در شرایطی که خالد و مسلمانان عملاً به تهدیدی جدی برای ساسانیان و پایتخت آنان تبدیل شده بود، درگیری‌های داخلی مانع از اقدام جدی برای دفع این تهدید بود (نک. مسکویه، ۱۳۸۰: ۲۸۸/۱). با این حال جهت تأمین امنیت مدائن و ممانعت از پیشروی مسلمانان به سمت تیسفون، نیروهایی به فرماندهی بهمن جادویه را در بَهْرَسِیر، واقع در غرب دجله و در نزدیکی مدائن (الحموی، ۱۹۹۵: ۵۱۵/۱)

جنگ با نام «وقعة ذات‌العیون» یاد می‌شود (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۳۹۴/۲). اختلاف بین ساکنان طی محاصره شهر، شیرزاد فرمانده مدافعان را مجبور به مصالحه با مسلمانان کرد و به دنبال ترک انبار از سوی وی، شهر تحت تسلط مسلمانان درآمد (البلاذری، ۱۹۸۸: ۲۴۳؛ ابن‌خیاط، ۱۴۱۵: ۶۲؛ دینوری، ۱۳۸۶: ۱۱۲؛ الطبری، ۱۳۸۷: ۳۷۴/۳).

با وجود اینکه بعد از تسلط بر انبار اقدامات سپاهیان مسلمان تحت فرمان خالد بن ولید ادامه پیدا کرد و شهرهای مهم دیگری مانند عین‌التمر و دومة‌الجندل نیز به تصرف آنها درآمد، به دلیل شرایط خاص جبهه مسلمانان در شامات، خالد بن ولید از طرف دولت مدینه مأموریت راهی سوریه شود (۱۳ هجری). بدین شکل، علاوه بر اینکه ماجراجویی تاریخی یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی صدر اسلام، که به دلیل توانمندی مثال‌زدنی در امر فرماندهی هنوز هم از شهرت زیادی بین تحلیلگران نظامی برخوردار است (نک. کالینز، ۱۳۸۴: ۱۶۷/۱) پایان یافت، مرحله نخست فتح اسلامی بین‌النهرین (عراق) نیز به اتمام رسید. با این اوصاف، پیشروی از حدود ابله (حدود خلیج فارس) تا تسلط بر حیره و انبار، مشتمل بر خط مرزی جنوبی و غربی ساسانیان در بین‌النهرین، ضربات مهلکی بر اقتدار دولت ساسانی در این نواحی وارد ساخت. در این مرحله از فتح، علاوه بر تسلط بر مناطق سوق‌الجیشی مهم مرزی بیابانی، مسلمانان موفق شدند اعراب ساکن در بین‌النهرین و اطراف آن را هم مطیع سازند و در کنار تحقق این هدف مهم، موفق شدند اصل مدنظر دولت اسلامی مدینه یعنی حفظ خط رجعت به شبه جزیره عربستان را تحت هر شرایطی تضمین کنند (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۸۳). این فتوح زمینه را برای فتح سراسری بین‌النهرین و ایران فراهم آورد (نک. Lewis, 2002: 52) و از این لحاظ و برخلاف تصور خود ساسانیان و برخی پژوهشگران، اهمیتی بس مهم و تعیین‌کننده در روند فتح ایران داشت تا جایی که می‌توان از این فتوح با تعبیر گشوده شدن دروازه‌های ایران بر روی اعراب یاد کرد. به‌طور کلی، مرحله اول فتوح مسلمین در بین‌النهرین از حفیر تا انبار را باید آغاز روندی دانست که طی آن به تعبیر حمزه اصفهانی «دولت از فارس به عرب

منتقل شد» (الأصفهانی، [بی‌تا]: ۱۲۴).

نتیجه

سیر حرکت فاتحان مسلمان بعد از ورود آنها به قلمرو ساسانیان در عراق از ابله یا مذار (حفیر) تا حیره و انبار تابع الگوی جغرافیایی - اقلیمی خاصی بود. عمده جنگ‌های این مرحله از فتح اسلامی بین‌النهرین، که می‌توان آن را مرحله نخست مراحل سه‌گانه فتح بین‌النهرین به‌شمار آورد، در نواحی مرزی - بیابانی و حاشیه نواحی بیابانی به‌وقوع پیوست. فرمانده قوای مسلمان، خالد بن ولید در رویاروی‌های مسلمانان با قوای ساسانی در مناطق و شهرهای مرزی ساسانیان در بین‌النهرین از نقطه قوت اعراب در جابجایی سریع در نواحی بیابانی به‌خوبی بهره گرفت. از این رو، مسلمانان مهاجم با پیروزی در جنگ‌های کاظمه (حفیر)، مذار، ولجه و ائیس در ماه صفر ۱۲ هـ مناطق ماوراء فرات (جنوب و غرب بین‌النهرین) را درنوردیدند و در ربیع‌الأول این سال دژ شهر سوق‌الجیشی و مهم حیره را متصرف شدند. با تسلط بر شهر مهم انبار در این مرحله، قدم بزرگی برای فتح مدائن و سراسر بین‌النهرین (عراق) و سپس ایران برداشته شد. در واقع، اعراب با اتکا بر عامل جغرافیا و از طریق مناطق بیابانی-مرزی حاشیه بین‌النهرین، در مرحله نخست رویارویی با ساسانیان، قدرت نظامی خود را بر دولت ساسانی تحمیل کردند و با تسلط بر مناطق و شهرهای مرزی ساسانیان، عملاً دروازه فتح ایران را به‌روی خود گشودند.

منابع

- ابن‌الاثیر، عزالدین (۱۳۸۵/۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن‌الفقیه، ابو عبدالله احمد بن محمد (۱۴۱۶/۱۹۹۶). *البلدان*، تحقیق یوسف الهادی، بیروت: عالم‌الکتب.
- ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸). *صورة الأرض*، بیروت، دار صادر.
- ابن‌خردادبه، ابوالقاسم (۱۸۸۹ م). *المسالك و الممالک*، بیروت: دار صادر.
- ابن‌الجوزی، أبو الفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲/۱۹۹۲). *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر

- عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌خیاط، أبو عمرو و خلیفه (۱۴۱۵/۱۹۹۵). *تاریخ بن‌خیاط*، تحقیق فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۲۰۰۴م). *المسالك الممالک*، [افست]، بیروت: دار صادر.
- الأصفهانی، حمزة بن الحسن [بی‌تا]. *تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء*، [بی‌تا].
- البلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی (۱۹۸۸م). *فتوح البلدان*، بیروت: دار مکتبه الهلال.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۵۳). *تصحیح محمدتقی بهار، بکوشش محمد پروین گنابادی*، تهران: کتابفروشی زوار.
- پطروشفسکی، ا. پ. (۱۳۵۳). *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۳). *تاریخ ایران قبل از اسلام*، تهران: نامک.
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۷۲). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۴۹). *از پرویز تا چنگیز*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۸۵). *ستیز و چالش زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰). *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگه.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۸۳). *مقدمه و بازتولد، تعلیقات و مینورسکی*، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح و حواشی، مریم میر احمدی و غلامرضا ورهرام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- حسونه، محمد احمد [بی‌تا]. *أثر العوامل الجغرافية فی الفتوح الإسلامية، الفجالة القاهرة: دار نهضة مصر للطبع والنشر*.
- الحموی، شهاب‌الدین ابو عبد الله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- الحمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۹۸۴م). *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، بیروت: مکتبه لبنان.
- حورانی، آلبرت (۱۳۸۴). *تاریخ مردمان عرب*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸ش). *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر، قم: منشورات الرضی.
- رجبی (دوانی)، محمدحسین (۱۳۸۸). *پشتیبانی نظامی در سپاه‌های صدر اسلام*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- همو (۱۳۸۱). «فتح ایران به دست اعراب و پیامد آن»، *تاریخ ایران [کمبریج]*، جلد چهارم، گرد آورنده رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰). *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمه باقر صدری‌نیا، تهران: علمی فرهنگی.
- سوسه، أحمد (۱۳۷۲/۱۹۵۳م). *أطلس العراق الحديث*، بغداد: مطبعة مديرية المساحة العامة.
- الطبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷). *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- العسلی، بسام (۱۴۰۸/۱۹۸۸م). *فن الحرب الإسلامي*، المجلد الأول، بیروت: دارالفکر.
- علی، جواد (۱۴۱۲/۱۹۹۳م). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، الجزء الثالث، بغداد: جامعة بغداد.
- فاتحی‌نژاد، عنایت‌الله (۱۳۹۳). «ایرانیان و عرب‌ها از پیش از اسلام تا عصر فتوح»، *تاریخ جامع ایران*، ج ۶، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- کالینز، جان ام. (۱۳۸۴). *جغرافیای نظامی*، ترجمه محمدرضا آهنی، بهرام محسنی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- کامرون، جرج (۱۳۷۴). *ایران در سیه‌ده‌دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۸۵). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغبیدی، تهران: صدای معاصر.
- کولسنیکف، آ. آ. (۲۵۳۷). *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه ر. یحیایی، تهران: آگه.
- لسترینج، گی (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۸۳). *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*، تهران: انتشارات طهوری.
- مسکویه‌الرازی، ابوعلی (۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م). *تجارب‌الامم*، حقه ابو القاسم امامی، تهران: دار سروش للطباعة و النشر.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۱). *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- المسعودی، أبو الحسن علی [بی‌تا]. *التنبیه و الأشراف*، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دارالصاوی.
- المسعودی، أبو الحسن علی (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجرة.
- مقدسی، أبو عبد الله محمد (۱۴۱۱/۱۹۹۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، القاهرة: مکتبه مدبولی.
- ملایری، محمد مهدی (۱۳۷۶). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال*

Kenney, Hugh, *The Great Arab Conquests*, Philadelphia, DA CAPO Press.

Kröger, Jens, "CTESIPHON", *Encyclopædia Iranica*: VI/4, pp. 446-448: available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/ctesiphon> (accessed on 4 March 2022).

Lewis, Bernard (2002). *The Arabs in History*, Oxford University Press.

Miquel, A. (1986). "Irāk: i. Geography", *EP²*, vol. iii, Leiden: Brill.

Morony, Michael, "Madā'en", *Encyclopædia Iranica*: <https://iranicaonline.org/articles/madaen-sasanian-metropolitan-area> (accessed on 4 March 2022).

Rzóska, Julian (1980). *Euphrates and Tigris, Mesopotamian Ecology and Destiny*, Netherlands, The Hague, W. Junk by Publishers.

Shahid, I. (1986). "Lakhmids", *EP²*, vol. v., Leiden: Brill.

Shalem, A. (1994). "The Fall of al-Madā'in Some Literary References concerning Sasanian Spoils of War in Mediaeval Islamic Treasuries", *Iran*, 32, 77-81.

Sordel, D. (1986). "Irāk: from Arab conquest to 1258", *EP²*, vol. iii, Leiden, Brill.

Streck, M, and El-Ali, Saleh, (1986). "al-Baṭīḥa", *EP²*, vol iLeiden, Brill.

از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران: انتشارات توس.

مؤنس، حسین (۱۳۷۵). *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نقیسی، سعید (۱۳۹۰). *تاریخ اجتماعی ایران*، از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، تهران: پارسه.

الهاشمی، طه (۱۹۳۰). *مفصل جغرافیه العراق*، بغداد، مطبۀ دارالسلام. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲ق). *البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.

Beeston, A. F. L. and Shahid, Irfan (1986). "Al- Hīra", *EP²*, vol. iii, Leiden, Brill.

Brunner, Christopher (1982). "Geographical and administrative divisions: settlements and economy", *The Cambridge History of Iran*, vol. 3, Cambridge University Press.

Caetani, Leone (2008), "The art of War of the Arabs, and the Supposed Religious Fervour of the Arab Conquerors", *The Expansion of the Early Islamic State*, ed. Fred M. Donner, London: Routledge.

Donner, Fred McGraw (1981). *The Early Islamic Conquests*, Princeton University press.

